

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

اکبر دهقانی ناژوانی

۰۳ اگست ۲۰۲۴

با گرایشهای جنبشی و شورشی خود جلو یک جنگ احتمالی در ایران و منطقه را بگیریم:

گرایشهای جنبشی و گرایشهای شورشی پایه ها و زیر بنای شورشها و جنبشهای اجتماعی هستند اگر در اجتماع و محیط زیست درست و بجا بکار گرفته شوند.

گرایشهای شورشی

اگر مردم در اندازه های مختلف بی سواد، کم عقل، متوهم، بی عاطفه، منزوی، خرافاتی، بیش از حد فقیر و خشن باشند در برخورد با واقعیات اجتماعی و محیط زیست کم می آورند، یعنی خرابی و مشکلات در این جامعه همه جانبه زیاد است و افراد نمی دانند در برخورد با واقعیات اجتماعی و محیط زیست کجاها عقلی و کجاها احساسی و کجاها در اندازه های مختلف از هر دو استفاده کنند. به همین نسبت ذهن و روح مردم منزوی، متوهم، خشن، باری به هر جهت، انحصارگرا، کم عقل و گرفتار احساسگور و این احساسگور مطلقگرا بر ذهن و روح و جسم این مردم خدایی حکومت می کند که می تواند احساسگور مذهبی، یا ناسیونالیستی، قومگرایی و کمونیستی افراطی و یا ترکیبی از اینها باشد که خیلی کهنه، عقبگرا، انحصارگرا، ضد عقل سلیم و احساس سالم، ضد علم و مخرب می باشند. در این حالت مردم گرایشهای شورشی زیاد دارند و گرایش جنبشی آنها خیلی ضعیف است، در نتیجه گرایشهای شورشی بر گرایشهای جنبشی در ذهن و روح مردم غلبه و مردم نسبت به خودشان شورشی و فردی و جمعی با هم دشمنی ودعوا دارند. افراد کم کم در اندازه های مختلف بیمار ذهنی، روحی و جسمی می گیرند.

مردم در چنین حالتهایی به جای اینکه دشمن اصلی خودشان را بشناسند، مثلاً جمهوری اسلامی و با او در بیفتند با خود دشمنی دارند و با دیدن همون خود این دشمنی ها را تشدید که فلان فلان شده این تو بودی که مرا به این روز انداختی. این افراد سر کوچکترین مشکل تحمل خود و تحمل همدیگر را ندارند و با کوچکترین پیش زمینه خراب ذهنی و روحی سر هیچ و پوچ به جان هم می افتند، مثلاً برای یک قرص نان و مقداری آب. یا اگر هم به خاطر روحیات خراب و با گرایشهای شورشی که دارند اگر هم بر رژیم دیکتاتور حاکم که مسبب تمام این بدبختی ها است شورش برند از روی خشم، نادانی و گرایشهای شورشی کور بدون هیچ ملاحظه ای همه چیز را نابود می کنند. در چنین شورشهای کور این احتمال وجود دارد که رژیم حاکم و اربابانش پیش دستی کرده و مردم جان به لب رسیده با گرایشهای شورشی کور را با کمک عوامل نفوزی داخلی و خارجی به بهانه های مذهبی، قومی، ناسیونالیستی و کمونیستی افراطی به جان هم بیندازند و یا مردم شورشی را از روی بی آبی و بی نانی به جان هم بیندازند و جنگ داخلی و یا جنگ منطقه ای را کلید

بزنند. اگر هم این مردم شورشی با گرایشهای شورشی کور رژیم حاکم را سرنگون و حکومت دست مردم بیفتد مردم بیش از حد شورشی، نا متحد، بی سواد، بی عقل، خشن و یاد نگرفته اند که بعد از سرنگونی چه باید بکنند؟ در این حالت بعد از سرنگونی رژیم توسط مردم شورشی اربابان خارجی یک دیکتاتور دیگر با کت و شلوار و کروات را سر کار می آورند. چرا؟ چون این مردم ناراضی بی سواد، بی عقل و جان به لب رسیده در رابطه با هم از همدیگر چیزهای به درد بخور یاد نگرفته و نتوانسته اند از عقل و احساس خودشان درست استفاده بکنند و به همین نسبت گرایشهای جنبشی نسبت به همدیگر پیدا نکرده اند تا این گرایشهای جنبشی گرایشهای شورشی مردم را کنترل و در ذهن و روح مردم توازنی بین گرایش شورشی و جنبشی بوجود آید، یعنی توازنی بین عقل و احساس در ذهن و روح مردم وجود ندارد تا مردم این دو را درست و بجا بکار برند و مردم فرقی بین خوب و بد را نمی دانند و در هر شرایط بین بد و بدتر انتخاب می کنند، پس بنابراین مردم شورشی نه فقط با گرایش شورشی کور با رژیم منفور حاکم برخورد می کنند، بلکه با خودشان هم شورشی کور برخورد می کنند و خیلی راحت هر رژیم دیکتاتور با اربابانش مردم شورشی افراطی را به جان هم می اندازند، مثل بهار عربی در کشورهای مختلف عربی. این وضعیتها در خود ایران به کرات تکرار شده، بخصوص از انقلاب مشروطه به بعد هر چند سالی با این تضادهای مذهبی، قومی و ناسیونالیستی همراه بوده ایم. با شورشهای کور، جنگ داخلی، کودتا، انقلاب های کور، بخصوص انقلاب ۵۷ مخرب سر و کار داشته ایم.

گرایشهای شورشی و گرایشهای جنبشی کی با هم آشتی می کنند:

گرایشهای جنبشی و گرایشهای شورشی زمانی بر ذهن و روح ما حاکم و جهان بینی ما را درست می سازند که در برخورد با واقعیات فردی و اجتماعی و واقعیات محیط زیست ما بجا و به موقع از عقل و احساس خودمان درست و بجا استفاده کرده باشیم، یعنی در جایی که باید عقل خودمان را بکار بندیم اشتباهی احساسی بر خورد نکنیم و برعکس در جایی که باید از احساس خودمان در برخورد با واقعیات اجتماعی و محیط زیست استفاده کنیم اشتباهی از عقل خود استفاده نکنیم. در مواقعی هم که لازم است از هر دو به جا، به موقع و به اندازه استفاده کنیم در بکارگیری این دو افراط و تفریط به خرج ندهیم. در چنین حالت هایی ما از نظر ذهنی، روحی، عقلی، احساسی و جسمی با واقعیات اجتماعی و محیط زیست هماهنگی داریم. ما و این محیط ها روی رشد همدیگر تاثیرات درست متقابل می گذاریم، در نتیجه این محیط ها سالم و ما هم در رابطه با این محیط ها شناختها و تجارب درست عقلی و احساسی داریم و می توانیم ذهن، روح و جسم خودمان را درست تنظیم کنیم. به عبارت دیگر عقل و احساس در تنظیم ذهن، روح و جسم ما مشترکا نقش بازی می کنند. در جایی در برخورد با واقعیات عقل حرف اول را میزند و در جایی دیگر احساس حرف اول و در جاهایی هم این دو با مشورت هم به تعادل نسبی می رسند. عقل و احساس که با هم در ذهن و روح ما به تعادل نسبی می رسند و با هم آشتی می کنند ذهن و روح ما کمتر بالا و پایین پیدا می کنند و گرایشهای شورشی با گرایشهای جنبشی در ذهن و روح ما با هم تعادل نسبی و دنیای ذهنی و روحی ما را درست می سازند. ما این سالم سازی را به عینه در اجتماع، محیط زیست، صنعت، اقتصاد، فرهنگ، علوم طبیعی و اجتماعی، حقوق و قانون خواهیم دید اگر از عقل و احساس درست و بجا استفاده کرده باشیم.

در این حالتها که تعادلی بین گرایشهای جنبشی و شورشی وجود دارد ما بطور نسبی دارای منطق، عقل سلیم، احساس سالم، بجا و به موقع انعطاف پذیر، جدی، راسخ، راستگو، متعامل، خودآگاه، گوش به زنگ، روشن، باسواد، کارگشته، عملگرا، مردمگرا، انسان دوست. گرایشهای شورشی خودمان را حساب شده بر علیه دشمن قسم خورده، یعنی جمهوری اسلامی آتش به اختیار و نوکرانش بکار می بندیم. این یعنی گفتار نیک، پندار نیک و کردار نیک زرتشت بزرگ.

گرایشهای شورشی و گرایشهای جنبشی مردم ایران:

خوشبختانه پس از ۴۵ سال مبارزه به حق مردم ایران بر علیه نکتت رژیم آخوندی خودآگاهی، همدلی و مقاومت مردم بالا رفته است. تجارب و شناختهای تلخ که از زمان شاه و بخصوص زمان رژیم آخوندی مدام ذهن و روح ما را مثل خوره می خورده و می خوردند به ما می گویند که عزیز جون اولاً بی عقلی، بی احساسی و از همه بدتر بیش از حد مذهبی، ناسیونالیستی، قومگرایی و کمونیستی افراطی بودن درست نیست. دوماً آخوند عقب افتاده شاید عامل تمام این بدبختی های چند قرنه و چند دهه، بخصوص این ۴۵ سال بعد از انقلاب می باشند. آنها دشمن انسانیت، دشمن عقل سلیم و احساس سالم و دشمن علم و ایرانی بودن هستند. سوماً عزیز جون شما مردم ایران خودتان از نظر ذهنی، روحی، عقلی، احساسی و جسمی خراب شده اید. باید با کمک همدیگر خودتان را اصلاح کنید. نجات دهنده ای به غیر از خودتان وجود ندارد. سعی کنید با احتیاط کامل دو نفره و چند نفره بر سر هر موضوعی که برایتان مطرح است با هم همفکری کنید و با کمک همدیگر از این بن بست بیرون بیایید.

بالاخره کم مردم غر و لوند شناختها و تجارب تلخ را شنیدند:

چهارماً ما تجارب و شناختهای تلخ میلیونی که از زمان شاه و بخصوص از زمان رژیم آخوندیسم ذهن و روح شما را می خوریم با تمام تلخ بودنمان خیلی کمک می کنیم که از این بن بست چند سده، چند دهه و بخصوص بعد از انقلاب ۵۷ خودتان را بیرون بکشید. هر چه باشد ما شناختها و تجارب تلخ در ذهن و روح شما هستیم و ذهن و روح شما مردم ایران را می خوردیم .

مردم می گویند چرا تا این حد ذهن و روح و جسم ما را مثل خوره می خورید ؟

ما شناختها و تجارب تلخ به شما بارها گفته ایم که چندین قرن و چندین دهه، بخصوص در زمان آخوندیسم کذاب شما مردم عقل و احساساتان را در برخورد با واقعیات اجتماعی و محیط زیست اشتباه بکار برده اید. شما این محیط ها را خراب و این محیط ها هم شما را خراب و ما تجارب و شناختها را هم خراب کرده اید. ما که خراب شده ایم ذهن، روح و جسم شما را مثل خوره می خوریم . اما خیلی خوب شد که بالاخره گوشتان بده کار شد و به حرفهای ما گوش کردید. ما با هم باید این خرابی ها را بر طرف کنیم. هر موقع که می خواهید کاری بکنید آن را با ما شناختها و تجارب تلخ خودتان مقایسه کنید . اگر مثل ما خراب و اشتباه است آن را انجام ندهید و با همدیگر مشورت و سعی کنید که با کمک عقل و احساس همدیگر این اشتباهات را تکرار نکنید و کار درست تری انجام دهید. به این طریق هم واقعیات محیط اجتماعی و محیط زیست را بهتر می فهمید و بهتر با آنها برخورد و آنها را سالم سازی می کنید و هم ما تجارب و شناختهای تلخ و مخرب را اصلاح می کنید. ما که اصلاح شدیم ذهن، روح و جسم شما را درست می سازیم.

به امید جمهوری اسلامی و اربابان شرق و غرب ننشینید. ۴۵ سال شما را چپیده اند و همه جا را ویران کرده اند. اما اگر از این به بعد درست برخورد کردید نه فقط ما تجارب و شناختهای تلخ را اصلاح می کنید، بلکه گرایشهای جنبشی و شورشی در ذهن و روح شما تحت کنترل عقل سلیم و احساس سالم قرار گرفته و همه ما سالم می شویم.

به ناگاه جرقه در ذهن و روح مردم زده شد. (اصلاح طلب اصولگرا، دیگه تموم ماجرا) و کم کم مردم شروع کردند که با این تجارب و شناختهای تلخ در ذهن و روح خودشان آشتی کنند و افراد با احتیاط همدیگر را دو نفره، چند نفره پیدا کردند و با مشورت با هم در برخورد با واقعیات درست تر عمل کردند و بیشتر با خودشان و با اجتماع و محیط زیست آشتی کردند. همچنین این روشنگری و خودآگاهی جمعی به یاری این شناختها و تجارب تلخ چند دهه، مردم را بر آن داشتند که دشمن اصلی آخوندی را بیشتر شناخته و با گرایش شورشی خود بر علیه رژیم منفور آخوندی مبارزه کنند و

مقابله گرایشهای جنبشی خودشان را در حق همدیگر را تقویت کردند، یعنی مردم با تمام محرومیتها، محدودیت ها، با تمام بگیر و ببندها، زندان، شکنجه و اعدامها و فشارهای مضاعف بی آبی، بی نانی، بی کاری، بی پولی و فشار معیشتی که رژیم منفور آخوندی به آنها تحمیل می کرد، با تمام اینها مردم خودآگاهی جمعی، اتحاد، نوگرایی، علمگرایی، انعطاف پذیری و تعامل پذیری و یک پارچگی خودشان را نسبت به هم بیشتر کردند. رژیم سعی کرد با عوامل نفوزی خود با دعوای مذهبی، قومی، ناسیونالیستی و کمونیستی مردم را به جان هم بیندازد که تا شاید این قاعده رشدیابنده گرایشهای جنبشی به نفع مردم و گرایشهای شورشی مردم بر ضد رژیم آخوندی را به هم بریزد، ولی خوشبختانه نتوانست و مردم هر روز استوارتر و منسجم تر بر علیه رژیم لجن مذهبی قد علم کردند. همه اینها حکایت از این دارد که مردم از تجارب و شناختههای تلخ این ۴۵ ساله کم کم یاد گرفته اند که کجاها باید از عقل و کجاها از احساس و کجاها در اندازه های مختلف از هر دو در برخورد با واقعیات اجتماعی و محیط زیست خراب ایران استفاده کنند. دید مردم باز تر، همگرایی مردم به هم بیشتر و کار تشکیلاتی دو نفره و سه نفره و چند نفره را در هر سطحی نسبت به قبل بهتر و بیشتر انجام داده و می دهند. مردم می دانند که خودشان باید برای خودشان کاری بکنند و منتظر کسی نباشند، البته رژیم منفور با ساختن تشکلهای ساختگی در اجتماعات مردم سعی می کند نفوز کند و جلوی همگرایی و رشد درست مردم را بگیرد، ولی مردم ایران نشان دادند که رشد همه جانبه بالایی دارند، حتی از گروه ها، سازمانها و احزاب سیاسی داخلی و خارج نشین ایرانی هم جلوتر هستند.

رشد خودآگاهی مردم ایران و گرایش جنبشی مردم نسبت به همدیگر، بخصوص در جنبش انقلابی مهسا بالا رفته و گرایشهای شورشی مردم حساب شده تر بر علیه رژیم عمل می کنند، نمونه اش حجاب اختیاری دختران و زنان و حمایت گسترده جامعه از آنها. جنبش انقلابی مهسا ریشه مردمی و رشدیابنده و در مسیر درست است. این جنبش انقلابی مردمی رژیم آخوندی و اربابانش و مزدوران داخلی و خارجی آنها را رسوا و بی آبرو کرد و می کند. مبارزه مردم ایران با ارتجاع آخوندی و ارتجاع جهانی به شکلهای مختلف ادامه پیدا کرده و می کند. لازم است که مبارزات مردم گسترده تر و هماهنگ تر و با احتیاط کامل همراه با کار تشکیلاتی مردمی جلو برود.

طبل جنگ به صدا در آمده است هوشیار باشیم.

الآن از طرف جمهوری اسلامی و از طرف صهیونیسم، بخصوص نتانیاهو بر طبل جنگ با مردم ایران و با مردم منطقه می کوبند و احتمال درگیری جنگ با ایران بیشتر شده است. رژیم آخوندی و رژیم صهیونیستی هر دو در باتلاق گیر کرده و هر دو به ظاهر دشمن و در باطن دوست برای نجات خود از این باتلاق به جنگ احتیاج دارند. قصد و هدف آنها این است که جنگی را به مردم ایران و منطقه تحمیل و چند میلیون آدم بکشند و ایران و منطقه را تجزیه و هر کشوری تکه ای از آن را تصاحب کند. ما مردم ایران و مردم منطقه با تظاهرات بر علیه جنگ باید نشان بدهیم که ما مخالف هر نوع جنگ در هر سطحی بوده و هستیم. ما ۴۵ سال است که به این جنایتکاران جنگ افروز غارتگر در اعتصابات، تجمعات و تظاهرات خودمان نشان داده ایم و باید نشان بدهیم که ما تا آخر ایستاده ایم و کمر خم نمی کنیم و خم به ابرو نمی آوریم. ما مردم ایران جلوی هر متجاوز داخلی، مثل جمهوری اسلامی و هر متجاوز خارجی، امثال نتانیاهو محکم می ایستیم تا درسی باشد برای متجاوزین و دشمنان بشریت. ما باید با خودمان جنبشی برخورد و هوای هم را داشته باشیم و با دشمنان بشریت و دشمنان مادرمان کره زمین حساب شده شورشی برخورد کنیم تا مرز سرنگونی آنها و گرفتن قدرت به دست مردم. ما باید تظاهرات، اعتصابات و تجمعات گسترده افسار مختلف مردم جان به لب رسیده را به هم گره بزنیم و شعارهای ما در کف خیابان باید بر ضد جنگ، بر ضد بی نانی، بی آبی، بی خانمانی

و ضد قحطی باشند قبل از اینکه دیر شود و جنگی به ما و به منطقه تحمیل شود. همین کار را باید مردم منطقه و مردم اسرائیل انجام بدهند.

ایرانیان خارج نشین مردمی باید صدای مردم ایران و منطقه را به گوش جهانیان برسانند. آنها در خارج تظاهرات گسترده ضد جنگ راه بیندازند و بدون پرچمهای مختلف و بدون شعارهای پراکنده از مردم ایران حمایت گسترده کنند. آنها از مردم کشورهای میزبان خود برای مشارکت در تظاهرات دعوت به عمل آورند. به این طریق جلوی یک جنگ در هر ابعادی چه در ایران و چه در منطقه گرفته خواهد شد. این شما مردم ایران و مردمان جهان بن مایه های هستی هستید که با همبستگی و تظاهرات خودتان جلوی تجاوز به حریم مقدس انسانی را می گیرید، البته هنوز جنگی شروع نشده و امیدواریم که شروع نشود، ولی علنی گفته اند که در راه است و خطر خیلی بالا است. همت والای شما مردم ایران و منطقه و جهان باید قد علم کند که تا جلوی جنون بعضی ها مثل جمهوری اسلامی و رژیم صهیونیستی، بخصوص نتانیاهو گرفته شود. شوخی شوخی دو جنگ جهانی و بالای صد میلیون کشته را به خاطر جنون چند نفر به مردم جهان تحمیل کردند. اگر همان موقع تظاهرات میلیونی بر ضدجنگ راه می افتاد چنین اتفاقات شومی نمی افتاد. وظیفه ما مردم ایران، منطقه، جهان و مردم اسرائیل است که در این راه قدمهای درست برداریم و با تظاهرات ضد جنگ جلوی هر جنگی را بگیریم. اکثر مردم اسرائیل ضد جنگ هستند و شنبه ها تظاهرات بر علیه جنگ و جنگ افروزان بر پا می کنند. مطمئن هستم که اگر ما مردم ایران، مردم منطقه و جهان تظاهرات ضد جنگ را شروع کنیم. مشت محکمی توی دهان جمهوری اسلامی و نتانیاهو و ارتجاع منطقه و جهان می زنیم و قدم بزرگی است برای جلوگیری از جنگ. مردم منطقه و مردم جهان هم به ما می پیوندند.

این تظاهرات و اعتصابات و شورشها بجا است و جواب می دهند چرا؟ چون در این ۴۵ سال بعد از انقلاب ۵۷ مردم توانسته اند که عقل و احساس خودشان را با هم آشتی بدهند و تجارب و شناختهای تلخ مردم به آنها در این اصلاح پذیری کمک کرده اند، یعنی مردم متحدتر، خودآگاه تر، نسبت به همدیگر تعامل پذیر تر، انعطاف پذیر تر و با کمک همدیگر در اندازه های مختلف رهبری و فرماندهی اعتصابات، تظاهرات و شورشها را تحت کنترل گرایشهای جنبشی و گرایشهای شورشی در ذهن و روح خودشان در آورده اند. از این به بعد در ذهن و روح ما عقل سلیم و احساس سالم حرف اول و آخر را در رابطه با هم و در رابطه با واقعیات اجتماعی و محیط زیست می زنند. این یعنی رهبری کردن همدیگر از درون ارگانسیم (ذهنی، روحی، عقلی، احساسی و جسمی) و از بیرون رهبری کردن عقلی و احساسی ما در رابطه با اجتماع و محیط زیست .

این گرایشهای جنبشی و شورشی و تجارب و شناختهای ناشی از آنها برای ادامه کار تا سرنگونی رژیم آخوندی و سپس ادامه دولت موقت و ادامه بعد از آن ما را در عرصه های مختلف یاری می دهند. این یعنی روند رو به رشد رهبری مردمی و تقسیم رهبری مردمی در اندازه های مختلف در دل جامعه که در مسیر درست قدم برداشته و به مرور کامل تر می شود. بستر رهبری مردمی که توسط مردم حاضر در صحنه فراهم شد رهبر و رهبران مردمی را می سازد. مردم با این بستر رهبری مردمی همدیگر را در برخورد درست با واقعیات اجتماعی و محیط زیست پیدا و یاری می دهند، پس بنابراین ما ایرانیان داخل کشور و خارج از کشور به تظاهرات ضد جنگ بپیوندیم.

دروود بر هشیاری، شرف و انسانیت شما عزیزان. درود بر جانبختگان راه آزادی!

موفق و مؤید باشید! پاینده و جاویدان ایران عزیز ما!